

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ فران
سایر بلاد داخله ۴۵ فران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو فران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

یکشنبه ۳ جمادی الاخری ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۵ تیر ماه جلالی ۸۲۹ و ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۷ میلادی

(دلیل چیست که کارهای ایران منظم نمیشود)

(بقلم یکی از دانیان)

زمانیکه تحصیل علوم میگردم يك قصه خوانده بودم
انجامتریف میکرد که يك شخصی در يك دهکده (فانوس
خیالی - سحر سراجی) نشان میداد هر چه در آن دهکده
جمعیت بوه آمدند به تماشا آن شخص مر بور به دواز
تعظیم به حضار کرام شیشه نقاشی را توی فانوس گذارده
شروع میکنند و میگویند حضرات معظمه ! این عمارت فشنکی
که عکسش را روی دیوار تماشا میکنید عمارت امیراطور
چین است تویش يك کرور جمعیت میتواند بنشینند ، سر
میز پنجاه هزار نفر همه روزه شام و نهار میخورند
تمام عمارت از طلا ساخته است در دنیا مثل ندارد
آفتاب را تماشا بکنید از پشت کوه روی برفی ها
چقدر خوب میتابد و غیره و غیره هر چه حضار زور
می آورند که در روی دیوار تعریفات و توضیحات
آن شخص را مشاهده کنند هیچ چیزی نمی بیند یکی از آنها بگوید
توی این تار یکی من يك چیزی می بینم اما نمیفهمم چه چیز است
آخر كلام معلوم میشود که صاحب فانوس از شوق زبادی
جمعیت تعجیل کنان فراموش میکند که فانوس را روشن
نماید حال از آن زمانیکه ما با مشروطیت مفتخر گردیدیم
یکدفعه بهمه کار شروع کرده هی داد می زنیم که فلان چیز
نباید باشد فلان کار را نمی خواهیم فلان چیز را باید کرد
اما ماها هم مثل آن صاحب فانوس گیرانندن چراغ را فراموش
کرده ایم که مردم به بینند و بفهمند . این چراغ قانون است
تا حل فقط اسمش را شنیده از جسمش محروم هستیم
معلوم است که ترقی يك مملکت بدو چیز بسته است عدلیه
و نظمیه امروز از فلان اقا ایراد می گیریم که جیره و

موجب سربازها را نداده است و با مفاخر منافع مملکت و ملت
رفتار نموده است یا فلان خان ظلم و تعدی کرده موجب
پریشانی رعیت شده و یا فلان شخص مشغول فساد است
باید حکما معزول گشته تنبیه یا تنبیه بشود و اسأل آنها
حال اگر آن اشخاص با ما جواب بدهند که تا امروز آنچه
را که از اجابتهای دیده ایم از روی آن رفتار نموده ایم و
معمولی مملکت این بود من بعد اگر باید طور دیگر
رفتار کرد و تونیکه باید بموجب آن رفتار کنیم بما نشان
بدهید اگر اطاعت نکردیم و اجراء نمودیم از ما مواخذ
سخت بنمائید باین اشخاص چه جواب خواهیم داد پس
اگر میخواستیم از دست مفسدین خلاص بشویم
و تمام وزراء و حکام و صاحب منصبان و تمام نوکرهای دولت
از روی عدالت رفتار نمایند اول باید قانون برای تمام
ادارات دولتی بصرحه اعلیحضرت اقدس همایونی رسانیده
نشر و اعلان نموده و همچنین در وزارت عدلیه قوانین
عرفی که موجود داریم ولا یتغیر است نوشته منتشر
ساخت که هر کس بدون اشتباه تکلیف خود را دانسته
بفهمد که در يك سؤ حرکتی مجازاتش چه چیز است
اطاعت کرده این حرکت قبیحه را مرتکب نشود امروز که
آزاد هستیم آزادی خودمان را چه شکل استعمال میکنیم
تا حال آنچه دیده شده است معنی آزادی را باین شکل
فهمیده ایم توی کوچه ها مست کرده بمردم تیر طیانچه
افکندن با يك دیگر با چماق و قداره دعوی کردن بملامه و
رجال محترمین ابدا اعتنائی نکردن و بتوسط روزنامه
بهمدیکر ملامت و سرزنش نمودن و بهر شخصی که غرض
شخصی داریم او را بدون دلیل متهم ساختن و قس علی
هذا بعد از این تعجب میکنیم که کارهای ایران چرا

منظم نمی شود تا اینکه قانون نوشته شده و بدون استثناء همه کس بان قانون اطاعت نماید تا اینکه مردم فهمند وای و مرتشی مستحق یک درجه مجازات میشوند تا اینکه برای کار شخصی پیدا نکنند که از آن کار سر رشته نامه داشته باشد و مامورین دولت ندانند که ثبوت یک خیانتی از ماموریت خود مزول نمیشوند و تا اینکه خدمت از خیانت تفریق نشود و خادم در احسان و خائن در مجازات نباشند هیچ وقت نباید امید وار بشویم که کار های ایران منظم خواهد بود مثلا امروز میبینم که وزیر عدلیه یا وزیر مالیه امخاصی هستند با کفایت میخواهند اداره خود را منظم نمایند عوض اینکه در تکریم و تحسین معزی الیهم بگوئیم طوری بایشان رفتار میکنیم که مایوسا از کار خود کناره جوئی میکنند و باز کارها معوق و در هر چه باد آباد مینماید

امروز از فلان آقا رشوه گرفته بان یک کاری واگذار میکنیم در صورتیکه خودمان هم میدانیم که از عهده این کار بر نخواهد آمد با این تفصیل اورا بان ماموریت نصب کرده اسباب نا راحتی و پریشانی تمام مخاوق یک مملکتی میشویم عقیده بنده این است که بهتر است در یک خانه پنج عدد نوکر کافی با مواجب صحیح داشته باشد تا آنکه دوست عدد نوکر گرسنه و بی کفایت نگاه بدارند ازها هم از شدت گرسنگی اسباب خانه را مجبوراً به چایند امروز باید قدر اکتفا کرده ما بقی عرایض خود را دفعه آینده قارئین گرام عرض خواهم کرد

(وقایع ماکو)

اقبال السلطنه بعد از تیمور پاشا خان که پدرش بود به هر وسیله خود را بر سر بر حکومت و سرحد داری ما کو متصدق نموده و بایسر عموهای خود مشغول مدالعه و طرفیت شد

محالات و مضافات ما کو کلبه باسم تیول و زیاست و مالکیت متعلق به آقایان ما کو که اقبال السلطنه و بنی اعمام او هستند میباشد این پادشاهان و مالک رق بان در ظلم شخصی از قبیل گرفتن مالیات که از نه خروار سه خروار میگیرند و سایر چیزها از قبیل سرشماری و قند اعیاد و بره و جوجه و غیره . . . ابدأ از یکدیگر عقب نمی افتند حالا این فقرات تعدی مالی است که بر رعایا می کنند مشنه بزرگ و قبل توجه عموم تعدی جانی و ناموسی است که همیشه ما بین آقایان ما کو معمول و از این قرار است همه ساله آقایان ما کو با یکدیگر مشغول طرفیت و مدالعه هستند ولی که اینکه مال شخصی یکدیگر را بغارت به برند یا با یکدیگر شخصا

مقاتله نمسایند یا خانه هم را ضبط کنند لابد خواهید فرمود که پس چگونه با یکدیگر طرفی شده و مدالعه میکنند اگر بدالم اولیای دولت و مات در صدد علاج تعدی آنان بر می آیند عرض میکنم و در جواب جناب محتشم السلطنه معاون وزارت داخله که نمیدانم از بی اطلاعی بوده یا سفارشی که در مجلس مقدس در خصوص اغتشاش ما کو گفته بود که رئیس تلگرافخانه ما کو راپورت داده که اگر اقبال السلطنه نبود اغتشاش زیاد تر میشد قدا او مشغول جاوگیری از اغتشاش است اولاً باید از حضرات و کتلاء محترم آذربایجان استفسار شود که قصه ما کو تا یک سال قبل ابدانه بست خانه داشت و نه تلگرافخانه آیا تازکی ترتیب داده اند یا حیرحتی چایبار را در طربوزون که به با یزید عثمانی میرود از راه چلدران میرود نه ما کو خوب است راپورت رئیس تلگرافخانه ما کو مطالبه شود ثانیاً باید گفت جناب ملت دوست آیا جاوگیری این است که دهات را خراب کند مل رعایا را غارت نماید ایل جلالی و میلان را که کرد و سنی مذهب اند و قلسا بارعایای عجم منتهمی دشمنی را دارند امر کند بجان و مال و ناموس رعایا تسلط دهد خدارا بشهادت کسواه میگیرم که ابدانکه غیر واقع عرض نمیکنم ولی کارهایی را که این دوایل بسر رعایا گذشته از مال و جان می آمدند در صورت وقوع نمیگویم

این آقایان ما کو در موقعی که اقبال السلطنه میل بقه شا و صدمه رعایا میکند و مشغول جنگ و جدال می شوند وضع طرفی شدن نشان این است هر گدام جمعیت کثیری از رعایای بیچاره را زور و جبر دور خود جمع میکنند غرض و عداوت خود را فقط در باره رعایا بروز میدهند اقبال السلطنه قشون خود را امر بغارت مال و جان و ناموس رعایای فلان قریه که فقط زمین او ملک پسر عمویش است مینماید طرف او هم باقشون خود بر فلان قریه که تیول اقبال السلطنه است ریخته ابدأ از بعضی بی عصمتی ها نسبت بر رعایا کوتاهی نمیکند چیزی که هست این است که این یک مشت رعایای محلات ما کو در هیچ موقعی صاحب مال و جان و ناموس خود نیستند و همیشه وجه الصالحه پادشاهان ما کو هستند فرقی که هست قشون اقبال السلطنه همیشه از اکراد مذکور هستند که ابدأ اسم ناموس را نمیکند بشنوند

هم چنین اقبال السلطنه که در حقیقت یکی از محکومین روس است همیشه بتحریر روسها دسته دست از اتباع خود را امر کرده و جهة چپاول و غارت بخاک عثمانی می فرستد بد از قتل و غارت و مراجعت آن ها معین است اکراد تبه عثمانی راحت نخواهند

نست بما سكو و خانه اقبال السلطنه هم كه نمى
تواند ريخته غارت كنند معلوم است تلامى اين كار
را از سر رعايا و دهاتی كه ابدى دخلی بقبال السلطنه
ندارد بيرون خواهند آورد چيزی كه هست ناموس اين
رعيت بچهارم در سر اين معامله و حشياه اقبال السلطنه
ميروند خدا ميداند اين فقراتی كه عرض شد صديق تعمدي
های او نبود . و جناب آقای حاجی امام جمعه خوئی
بملاحظه نزديکی خوی و ما كو يك اندازه از حرکتهای
اين شخص ظالم بی انصافی اطلاع دارند اميد وارم اولیای
دولت و ملت در صورت صدق عرایض و تحقیق کامل باین
شخص مجازاتی را كه بموجب دين حنيف و شريعت غرای
محمدی مستحق است رسانیده كه بعدها سايرين مرتكب
اين گونه تعمدي ها نشوند (خادم ملك و وطن عریقلی)

(تشكر)

آيت رحمت يزدان نجات دهنده ايران و ايرانيان
شمس ملك كمال اقبانوس محيط فضل آزاد كننده ملت
روح دهنده مردگان امت دست قوی اسلام ، شاد كننده
روان صاحب شريعت صاحب مناب رفيعه ، و القاب
شامخه ، خلاق سخن مروج دين ، انكس كه افلام و
صحایف از نوشتن فضائلش قاصر و زبان از شرح
مفاخرش عاجز است ، حجت كردگار آقای آقا سيد
جمال الدين و اعظ ادام الله ايام افاضته با ان خلق و
بيان كه جز كرامت و اعجاز نتوان دانست

(والی بیان متی يطابق اغنته يدع لسا ابا دهرن
افياك و مورد كلمات عطك زهرا علی الریاض و در اوق
اجيادا و تارك اولاعيد الحميد بها و ابن العميد اخيرا
فی ای جاد) و با همان تقرير كه تاثيراتش غافله در
آسمان اروپا افكنده و زلزله در عالم سياست مفرسان
انداخته نظر بكرامت نفس شرحی از مدير روزنامه يوسيه
و هفتگی حبل المتین جناب مؤيد الاسلام و خدمات چهارده
ساله ایشان نسبت بعالم اسلام و مسلمانان بر زمان در برار
جاری فرمود ، كه اگر تا ابد الدهر تمام اعضاء اداره با
هزار ربان و بنان عرض تشكر نمايند هنوز مرهون
بزرگی و زرگواری آنذات مقدس خواهند بود

عليه هذا ناملم شكسته جزا كه دعائی عاجزانه بدرگاه
خداوند نمائيم كه بواسطه سلامت ان وجود مقدس عالم
اسلاميت را رونق و زينت دهند و خاق ايران را در پناه
حضرتش بمراحل كامله تمدن و انسانيت نايب فرمائيد
در مقابل ایشان نداريم مگر از راه بزرگی ادعيه
خالصانه ما را قبول فرمائيد و نير از هم مقام
محترم خود جناب آقای مجد الاسلام و آقا ميرزا امجد حسين
مدير روزنامه مبارکه (الجمال) كه چشم و چراغ عالم

مطبوعات است عرض تشكر مينمائيم
اميد انكه بی ادبان نيز راه و رسم ادب از
ایشان آموزند و روش ناهنجار را ترك كنند

خلاصه مذاكرات مجلس دار الشوری

(روز پنجشنبه ۲۹ شهر جمادی الاولی)

امروز جناب آقای آقا حاجی خمایی تشریف
فرمای مجلس مقدس شده بودند بعد از تبريك و تهنيت
عموم و كلا اظهار امتنان از مساعدت و همراهی جناب
معظم نمودند

جمعی از مجتهدین و علماء لاریجان مازندران هم
محض تبريك بمجلس حاضر عموماً از همراهی آنان
تشكر گفتند

تلگرافی از اردبیل قرائت شد كه انجمن محلی
تشكيل و از مساعدت جناب آقا ميرزا علی اكبر آقا
اختلاف مرتفع سوارهای ایلات از شهر خارج امنیت حاصل
تلگرافی از حجة الاسلام آقای آخوند ملا كاظم
مد ظله العالی قرائت شد (بتوسط جناب آقا سيد محمد
جعفر وكيل شیراز كه تقويت و مساعدت بمجلس مقدس
بر هر فردی از افراد مسلمانان لازم است)

ايضا از شیراز تلگرافی قرائت شد كه بدین مضمون
از حضرت آخوند تلگرافی بشیراز شد

تلگرافی از قزوین قرائت شد كه حاجی سيد جمال
از كردهای بیش منصرف و بانجمن همراه و مساعد مدير مدرسه
امینیه راروايه نمایند انجمن هم مشغول بكار (شيخ الاسلام)
لايحه از طرف شخص محترمی قرائت شد كه
رابورت نرخ فروش كنند بود در میدان كندم
خوب بی عيب از یازده تومان الی دوازده تومان روز
بفروش ميرسد و هر گاه ناخواه زياده از این بخواهند
حساب نمايند دروغ است تمام صورتهای جزء آنرا معين
و معلوم داشته

بعد مذاكره از این شد كه بنا بر این ديكر تفاوت قيمت نباید
بناخواه داد اگر چه وزير مخصوص گفته بود كه ما
هفده هزار وده شاهی تفاوت قيمت ميدهيم گفته شد باین
تفصيل ناخواه نا را به يست و دوش شاهی مي فروشند قرار
شد كه هر روزه صورت نرخ را از میدان بخواهند و
بناخواه هم تفاوت داده نشود و اعلان هم بنمايند كه اساله
در كميسيون ماليه مقدار دو ثلث از خوراك اهل شهر را
كندم تيره شده هر كس ميخواهد احتكار كند بكند كه
بيفایده خواهد بود

لايحه از نصر الدوله پسر قوام الملك قرائت شد
كه مشر بود مرهمراهی و مساعدت بالاساس مجلس و

اينكه
قوام الملك
عرض تن
بابهريك
الملك و
قانون و
بعد از
باعد اغل
ایشان لا
ببایند و
کرد پوس
و چنگل
حكام قر
ش
۲۷ جماد
دو ساله
فرموده
شفقت و
وتشويق
فقراء و
از سايرين
ساخته
معارف
پول لبان
بشرط
قيمت ك
اجزاء
اصلة از
تشكرات
اجدافان
باتفاق
متحصن
آمده به
قانون

اینکه شخصاً اصالتاً از خود و نیابتاً و وکالتاً از طرفی قوام الملك و سالار السلطان در اینجا حاضر هر کس عرض تظلم و شکایت دارد در محضر انجمنی از وکلا یا بهر یک از دوائر دولتی حاضر میباشم و لی اینکه قوام الملك و پسران او هیچکدام در شیراز نباید باشند بچه قانون و حفظ علاجات و املاک چا کران را کی مینماید بعد از قرائت بعضی گفتند که سالار السلطان در اینجا باشد اغلب از وکلا اظهار داشتند که البته حفظ علاجات ایشان لازم و لی برای رفع مفسده خوبست چند وقتی بیایند و در شیراز نمانند کسی تعدی در اموال ایشان نخواهد کرد پوست شیر و پلنگ مال خود شاست و لی مخالف و چنگال آنها را باید از آنها گرفت چند فصلی از نظامنامه حکام قرائت شد (مجلس ختم گردید)

(معارف پروری)

شاهزاده فرمانفرما وزیر عدلیه اعظم روز سه شنبه ۲۷ جمادی الاولی شاکردان مدرسه همت را که مدت دو سال است در چهار راه حسن آباد دائر شده دعوت فرموده و بعد از ورود اطفال بیایغ معظم له همگی را مورد شفقت و مرحمت نموده بازبان شیرین فرد فرد را تطامع و تشویق فرموده مخصوصاً سی نفر از آنها که از اولاد فقراء و بی بضاعت بوده و بواسطه نداشتن لباس صحیح از سایرین جدا شده و صفی علی حده داشتند زیاده مورد الطافی ساخته مبلغ یکصد و پنجاه تومان از جیب فتوت و از راه معارف پروری اعانه دادند بدین تفصیل که شصت تومان پول لباس سی نفر اطفال فقراء تابا سایرین بکریک شوند بشرط آنکه از اتمه و وطنی تدارک شود ، پنجاه تومان قیمت کلاه نمده برای عموم اطفال ، چهل تومان انعام اجزاء مدرسه — از این قدر دانی و معارفی خواهی اصله از جانب اعضاء و متعلمین و نیابتاً از طرف ملت تشکرات خود را توسط روزنامه حبل المتین تقدیم میکنیم (مدرسه همت)

(تلکرافتی مخصوص اداره)

حبل المتین رعایا حسن کیاده از تدبیرات مباشر و اجزایات آنان در فقره پبله ابریشم و غیره دوروز است باتفاق با تزللی آمده بانجمن متظلمند و الان در تلکرافخانه متحصن میگویند مساورین حکومت هم از رشت بانجما آمده بما تعدی نمودند ابوذر

(تلکرافات خارجه)

بنا بر راپورت رسمی عده مقتولین در شهر ناربون هفت نفر و مجروحین شصت و دونفر سرباز

و بیست و یک نفر از اهل بلاد بودند پانزده هوج دیگر پیاده نظام و هفت هوج سوار نظام مامور بلاد جنوبی فرانسه گردیدند از لندن روز نامه طیلمس مقاله مبنی بر مدحت سرائی از حسن فطرت سنطسان سیام و میل باطنی آن بجهت ترقی و تمدن رعای و مملکت خویش نگاشته و چنین اظهار عقیدت مینماید که اگرچه این مسافرت و ملاقات سلطان معظم پلنیک نیست ولی خود این مسئله که پس از اقامت در پاریس بلافاصله ملندن آمده اند دلالت میکند بر آنکه اختلافات پلنیک که در مملکت سیام در پانزده سال اخیرین دول فرانسه و انگلیس حادث شده بود بالاخره مرتفع خواهد شد

فرج ۱۷ فرانسه در بزمه خلاف اطاعت و فرمان کرده بودند مجبوراً تحت الحفظ از آنجا بمحل دیگر فرستاده شدند

دسته از رؤسا و نمایندگان موکاران بخدمت کامانوسوی صدراعظم رسیده و ممیزی الیه بانها اظهار داشتند که تمام مامورین محلی بدیه و غیره باید ابتدا استعفای خود را باطل دانسته و شروع بانجام تکالیف مقرر نمایند تا آنکه دولت مجبوسین از رؤسای موکاران و غیره را از قید حبس رهائی دهند

آلبر معروف بعد از معاودت بیلااد جنوبی در ورود بشهر ناربون وارژلیه اهالی با فریاد شادمانی و زننده باد آلبرا پذیرفتند مشارالیه تبلیغ فرمایشات صدارت عظمی را بانجمن رؤسای موکاران باین نحو نمود که اگر اهالی جنوب دست از آشوب برداشته و از راه قانونی چاره جوئی نمایند هر آینه وزارت معظم مقبل است مجبوسین آنها را رهائی داده و عساکر مامور و متوقف بلاد جنوب را مرخص فرموده و نهایت اهتمام و مساعدت را در کشت مو و ترغیب و تجارت آنها مبذول نماید ولی انجمن مزبور بنا بر آنکه مواعید صدارت قسری مبهم مینمود و مقصود آنها را تصریح نمینمود عزم جزم دارند که کما کان آتش آشوب و انقلاب را روشن نمایند

کشتی موسوم بسا نیاکو قریب بسواحل شیلی مملکت امریکای جنوبی غرق شده و کلابه را کین آنجهاز که یک نفر مسافر و نود نفر عملجات بودند باسندای یک نفر صاحب منصب تلف شدند

(اعلان)

ماشین که از برای کیلز سیکار باشتوک از اول کارخانه آلمان بهترین ماشین هاست برای ساختن کیلز و ضمناً هم فروخته میشود کاغذ برای مشتوک کیلز — آدرس تلکرافتی و کاغذ (پاسکوبچ باکو)

حسن الحسینی الکاهانی